

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
An analysis on Mithraic Temple landscape Structure
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تحلیل ساختار منظر ستایشگاه‌های مهری*

سارا علی‌پور^{۱*}، محمدرضا نصیر سلامی^۲، محمدمنصور فلامکی^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ایران.
۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.
۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۱ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۱ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۵/۰۱

چکیده

نگرش بشر به آداب و آیین‌های مذهبی و ارزش و اهمیتی که برای آنها قائل بوده است، به بهترین شکل در معماری و هنر نمود پیدا می‌کند. در ایران باستان یکی از بارزترین و شکوهمندترین مبانی آیینی که فضا را شکل داده، باورهای مهرپرستان بوده است. پرداختن به آثار معماری و منظر ستایشگاه‌های این آیین و مکان برگزاری مراسم این کیش از آن جهت اهمیت دارد که باورها و سمبل‌های میتراپیسم با همه پیچیدگی معنایی در رازهای آن، در هنر و معماری ادوار مختلف ایران و حتی پهنه گسترده‌ای از جهان نمود پیدا کرده است. تمایل و سواس گونه به مطالعه ستارگان و علم نجوم از اهم آموزش‌ها در حلقه یاران بود و بر همین اساس عموماً بررسی‌های انجام‌شده درباره ستایشگاه‌های مهری‌دینان متمرکز بر معماری داخل مهرابه بوده و به محیط و منظر پیرامون آن پرداخته نشده است. هدف این پژوهش بررسی و شناخت منظر ستایشگاه‌های باستانی مهر براساس شواهد و بناهای موجودی است که تا به امروز متعلق به این آیین شناسایی شده‌اند. این تحقیق براساس روش پژوهش پیمایشی از نوع توصیفی-تبیینی است. ابتدا با مطالعه شواهد و باورهای آیینی و تحلیل کتب و مقالات موجود و در نهایت با بررسی منظر مهرکده‌ها این نتیجه حاصل شد که علی‌رغم تغییر ساختار بنیادی مهرکده از شکل‌های غاری تا میتراپیوم‌های زیرزمینی، به شکل پویا در همه گونه‌های مهرکده‌ها محور اصلی طراحی، منظر شبانه است. **واژگان کلیدی:** مهر، مهرکده، ساختار میتراپیوم، منظر مهرکده، منظر شبانه.

مقدمه

موقعیت جغرافیایی، بازه تاریخی و هم به لحاظ تأثیر ژرفی که بر هنر و تمدن ایران داشته، حائز اهمیت و شایسته بررسی است. پیش از ظهور مسیح، این آیین در گستره سرزمین‌های غربی تا شمال انگلستان پیشروی کرده و پیروان بسیار داشته و آثار بی‌بدیلی را به یادگار گذاشته است. اولین ستایشگاه‌های این آیین غارهای صخره‌ای هستند که بررسی منظر این پرستشگاه‌ها هدف اصلی این پژوهش است. فارغ از گستره جغرافیایی

مهر یکی از تأثیرگذارترین و گسترده‌ترین ادیان در سرزمین ایران است که این گستردگی هم به دلیل

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «سارا علی‌پور» با عنوان «تبیین بازنمود فضاهای نیایشی ایران باستان بر باغ ایرانی» است که به راهنمایی دکتر «محمدرضا نصیر سلامی» و مشاوره دکتر «محمدمنصور فلامکی» در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ارائه شده است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۱۹۰۸۹۸، Alipour.sara@yahoo.com

این مرزوبوم دغدغه داشته‌اند، می‌توان به محمد مقدم، هاشم رضی، مهرداد بهار، ژاله آموزگار و متأخرتر مرتضی ثاقب‌فر، شهره جوادی و ناصر انقطاع اشاره کرد. آنچه از پژوهش محققان داخلی و خارجی برمی‌آید این است که آئین مهرپرستی بر همه ادیان بعد از خود تأثیرگذار بوده است. به عقیده ایرج عالی‌پور، آیین زرتشت، آیین مانی (با تمام انتقاداتی که به آن وارد است)، آیین زروانی و جنبش‌های اندیشه‌ای و اجتماعی و دادخواهانه مزدکیان، خرم‌دینان، اسماعیلیان و... به تمامی با آیین مهر وابسته است و از سوی دیگر چکادهای سرافراخته‌ای که در گستره فرهنگ و هنر ایرانی پدیدار گشته‌اند، مانند شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ و نوشته‌های سهروردی، سرودها و نوشته‌های ناصرخسرو قبادیانی و نظامی و مجموعه بی‌مانندی از سرود و سخن که به نام کلی عرفان ایرانی شناخته شده است و جملگی بر ستایش روشنایی، خرد و فرهنگ و اندیشه و نیز پیروزی راستی بر ناراستی اشارت دارند، پیوند گسست‌ناپذیری با فرهنگ گسترده ایران زمین دارند که هسته‌های آغازین آن را بایسته است در آیین مهر جست‌وجو کنیم.

روش تحقیق

تحلیل آرای مهرپرستی به دلیل رازآلود بودن تعالیم و مخفی بودن آموزه‌ها با دشواری‌هایی روبروست، اگرچه ردپای این کیش در عرفان ایرانی دیده می‌شود ولی همچنان هم، افراد خارج از حلقه یاران امکان پی‌بردن به اسرار و رموز را ندارند و تنها می‌توانند در مراسم حضور داشته باشند. به هر وصف، تحلیل آثار و افکار میتراپیسم در وجوه مختلف به صورت پراکنده انجام شده ولی همان‌طور که گفته شد، منظر میتراپیوم‌ها و مکان برگزاری مراسم آیینی از لحاظ شکلی و تأثیر بصری و خصوصاً منظرین آن بررسی نشده است. در منابع زیادی به دل‌بستگی مهریان به موسیقی و رقص اشاره شده است ولی مشخصاً با تحلیل معماری می‌توان دید در فضای محدود مه‌راه امکان بروز این رویداد منطقی به نظر نمی‌رسد یا مثلاً در مراسم نیایشی براساس مرتبه تشریف، مهریان از ماسک استفاده می‌کردند تا شناسایی نشوند که این مورد هم در یک محیط محدود و کوچک محقق نخواهد شد. از این جهت پژوهش حاضر براساس تبیین استقرایی در مرحله نخست با مطالعه شواهد و باورهای آیینی و تحلیل کتب و مقالات موجود، اندیشه‌های مهرپرستان را بازخوانی کرد. سپس از آنجا که بیشتر بررسی‌ها در حوزه معماری و خصوصاً معماری مه‌راه‌ها بود، آنها را تحلیل کرد و در نهایت براساس توصیفات موجود تحلیل‌ها صورت گرفت و نتیجه‌گیری حاصل شد.

و بازه زمانی، در همه گونه‌های معماری پرستشگاه‌های^۱ مهری، الگوها و شاکله‌های مشترکی دیده می‌شود که بعدها در آتشکده‌ها، کلیساها و حتی مساجد تکرار شده است و می‌توان گفت اولین بن‌مایه فضا آرایی در هنر ایران، متأثر از باورها و اندیشه‌های مهرپرستان بوده است.

بیان مسئله

با وجود دامنه وسیع تأثیرگذاری آیین مهر، چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ زمانی، اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در باب این آیین و مشخصات فیزیکی فضاهای ساخته‌شده توسط آنها، متأثر از باور پژوهشگرانی است که کیلومترها از مرزهای ایران به دور بوده‌اند و عموماً بدون در نظر گرفتن فضای حاکم بر اندیشه‌های ایران در زمان بالندگی این باورها در این سرزمین، شکل گرفته‌اند. با توجه به اینکه اکثر آرکی‌تایپ‌های هنر ایران با واسطه یا به صورت مستقیم تحت تأثیر مهرکیشان نمو پیدا کرده‌اند، پرداختن به این حوزه در هنر و معماری اهمیت پیدا می‌کند. مسئله دیگر این است که تحقیقات انجام‌شده در ارتباط با فضای نیایشی مهریان همیشه متمرکز به معماری آن بوده و کمتر به جنبه‌های دیگر پرداخته شده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا میتراپیسم‌ها هم به تبع اندیشه حاکم، به منظر و محیط پرداخته‌اند؟ یا اصولاً چگونه از عناصر طبیعی در ستایشگاه‌های خود بهره برده‌اند. در واقع این سؤال مدخلی شد برای این دیدگاه که آثار معماری مهری‌دینان از دریچه منظر آنها هم تحلیل شود.

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

توجه به آیین میترا و رازورمزهای مهرپرستان در پژوهش‌های غرب پیشینه‌ای طولانی دارد. به لحاظ قرابت این آیین با کیش مسیحیت، نظریه پردازان و منتقدین زیادی به این آیین توجه کرده‌اند؛ از جمله دانشمندان برجسته‌ای که تحقیقات گسترده‌ای در باب میتراپیسم انجام داده، «فرانس کومون»^۲ است. به گفته هاشم رضی، بعد از او کمتر تحقیقی را در این زمینه می‌توان یافت که خالی از آرای کومون باشد. آرای مارتین ورمازرن^۳، هنریک نیبرگ^۴، رومن گیرشمن^۵ و دیگران هم شایان توجه است. گرچه تاریخ هنر ایران مالمال از نشانه‌های مهری است، ولی اولین پژوهش‌ها در ایران در باب این آیین، از دهه ۱۳۴۰ شمسی آغاز شد؛ «ذبیح بهروز» پژوهش در این باب را شروع کرد و به شکل متمرکز در مقالات انجمن فرهنگ ایران باستان به سال ۱۳۴۳ به چاپ رسانید. از دیگر پژوهشگرانی که در باب تاریخ اسطوره‌ها و نقل‌قول‌های

مهر از اسطوره تا آیین

دین مردم ایران زمین قبل از ورود آریایی‌ها و حتی بعد از ورود آنان محل بحث و انتقاد است ولی بر سر اینکه پرستش آسمان و آب و آتش بیش از همه رایج بوده است، اتفاق نظر وجود دارد. پرستش ستارگان، مخصوصاً خورشید که بعدها به وسیلهٔ خدای میترا مجسم می‌شد؛ از اهمیت خاصی در بین آنان برخوردار بود. در هیچ‌کدام از سلسله‌های ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی نمی‌توان تنها یک مذهب را به عنوان دین رسمی ایران نام برد (کاژدان، نیکولسکی، آبراموویچ، ایلین و فیلیپاف، ۱۳۸۶: ۳۶۵) ولی ایزد میترا را پیش از زرتشت، می‌توان یکی از بزرگترین خدایان هند و ایرانی دانست و شاید او را بتوان محبوب‌ترین و مشهورترین ایزد آن دوران دانست (اردشیرید، ۱۳۴۳: ۵۹). آیین‌های پاسداشت میترا به اشکال مختلف در طریقت صوفیانه ادامه دارد. شکل‌گیری اسطوره‌های میترا از ابتدا با نوعی تقدس در بین ایرانیان رواج یافت و کم‌کم به شکل یک تشکل آیینی درآمد. کیشی که رو به سوی آسمان و به طالع ستارگان باور دارد و آتش را به پاس نوربخشی شبانه و خورشید را به لحاظ بخشندگی روزانه مقدس می‌شمرد.

اندیشه‌ها و رسوم مهری

کیش مهر یک طریقت عرفانی است و رموز بسیاری دارد و هدف اصلی آن، بیدارکردن وجدان انسانی و نزدیک‌ساختن او به سوی کمال است (شینور، ۱۳۵۰: ۱۵). در مقام اندیشه، در آیین مهر دانش و خرد و آگاهی و هستی‌شناسی بیش از هرچیز ارزش داشته است و مهری‌دینان در هر روزگاری که می‌زیسته‌اند بر دانش‌های زمان خویش آگاهی و به موسیقی و رقص دلبستگی داشته‌اند. این دلبستگی در نوشته‌ها و سروده‌های هنرمندان و دانشوران ایرانی دوره‌های بعد پدیدار است. از این گذشته مهری‌دینان به دانش‌های پنهان نیز آگاهی داشته و در پیشگویی و پیش‌بینی و پیش‌دانشی سرآمد روزگار بوده‌اند (عالی‌پور، ۱۳۷۴: ۱۵۹). مراسم قربانی و خصوصاً قربانی گاو از اهم مراسم است. آیین قربانی و سور، دور از نور خورشید و یا شب‌هنگام برگزار می‌شود (رضی، ۱۳۸۱: ۲۵۱). علاقه ویژه به ستاره‌شناسی و توجه خاص به سیارات، حرکت صور فلکی و کهکشان، تا آنجا بود که راجر بک معتقد است در طراحی مهرابه‌ها و محل نشستن رهروان تازه‌وارد از تزییناتی به شکل صور فلکی استفاده می‌شد به شکلی که اعتدالین تابستانی و زمستانی در تزیینات و کاشی‌کاری‌های معبد تداوم دنیای بیرون در داخل بود (Beck, 2006: 102-112). به

جز آسمان شب و غور در آن، مهرپرستان به بقای ابدی روح ایمان فراوان داشتند و در انجام اعمال نیک اصرار می‌ورزیدند تا بدین وسیله روح آنان جاودانی شود و به نور بپیوندد. اولانسی معتقد است بین بالارفتن یاران از کوه و رسیدن به غارها - که استعاره‌ای از محل زایش میترا و معبد طریقت است - و تخیل حرکت نمادین روح و رسیدن به فضای فراتر از آسمان - که خورشید اصلی در آنجا مأوا دارد - رابطه‌ای نمادین وجود دارد (Ulansey, 1991: 3). مهری‌دینان در مراسم مذهبی خود عموماً در پس نقابی حاضر می‌شدند که گویا نشان‌دهندهٔ درجهٔ تشریف مذهبی‌شان از بین هفت مرحلهٔ عرفانی‌ای بوده که باید طی می‌شده است. اگرچه رموز مهری‌دینان همچنان پوشیده مانده ولی کلیت رسوم آنان شناسایی شده است از جمله؛ علاقه به ستاره‌شناسی، ارجح به خورشید، سعی در اجرای مراسم به شکل گروهی، انجام سرودهای مذهبی و به شکل دسته‌جمعی، انجام مراسم قربانی که دور از نور خورشید انجام می‌شد، خوردن افشرد هوم، هفت مرحلهٔ طی طریق عیاران، احترام به الهه‌های پیشین مثل آناهیتا، احترام به عناصر طبیعت و ...

معماری و منظرسازی مهرکده‌ها

ادیان در جهان سنتی به عنوان عنصر غالب در تعیین خط فکری و آداب و منش‌های جوامع مطرح بوده و در شکل‌گیری و نحوهٔ گسترش هنرها تأثیری ژرف داشته‌اند، به طوری که در جهان سنتی، دین با فلسفهٔ زندگی و هنرها همزاد و همراه است (قدوسی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۷). معماری نیز به عنوان کالبدی که اندیشه به آن روح می‌بخشد، همواره وام‌دار فلسفه‌های زمان است. فضاهای ستایشی متأثر از خدایان ماه و خورشید یا مهر و آناهیتا که ایزدان نور و روشنایی و باروری و نگهبان آب‌های پاک بوده‌اند، معمولاً در کنار هم و در جوار چشمه‌های جوشان و درختان کهنسال بنا می‌شدند (جوادی، ۱۳۹۴). یکی از ویژگی‌های کاملاً شناخته‌شدهٔ یادمان‌های مهری که در همهٔ نواحی و مراحل توزیع آنان به چشم می‌خورد، توجه به پدیده‌های طبیعی مانند آب، آتش، اجرام آسمانی، دوره‌های پوشش گیاهی و زمان است (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵: ۵۲۱). اگر کتیبه‌های مربوط به میترا را بررسی کنیم، می‌بینیم که این نیایشگاه‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته از واژهٔ خاص «غار»^۶ یا واژهٔ دوگانهٔ شاعرانهٔ «غار زیرزمینی»^۷ استفاده می‌کنند، و دستهٔ دیگر واژه‌هایی را به کار می‌برند که معنای کلی‌تری دارند، مانند کلمات «معبد» یا «پرستشگاه»^۸ و «معبد ساده و کوچک»^۹ (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵: ۳۱۴). آنچه در این پژوهش به عنوان

داشتند. به علاوه، علاقه به ستاره‌شناسی در شکل کلی فضای داخلی غار هم مؤثر بود و به همین دلیل، تزیینات داخلی غار، شبیه آسمان شبانگاهی بود که در واقع از فضای کیهانی تقلید شده بود. هر جا امکان ساخت معابد به این شکل نبود اقدام به ساخت ستایشگاه‌های غاری می‌شد که دقیقاً منطبق با همین الگو طراحی شده بود ولی این بار آسمان شب در زیر زمین و با پله‌هایی رو به سوی تراز منفی اجرا می‌شد.

تحلیل منظر مهرکده

• مهراب

به پرستشگاه‌های مهرپرستان «مهرابه» گفته می‌شود که از دو واژه «مهر» و «آبه» ساخته شده است. آبه در یک برداشت به معنی جای گود است و این گودی در غارهای صخره‌ای با قرارگیری یک پله یا بیشتر، از سطح ورودی به وجود آمده است و در غارهای زیرزمینی هم معمولاً صحن مرکزی که محل اصلی مهراب است، نسبت به سطوح دیگر اختلاف تراز منفی دارد؛ بدین معنی که فضای تالار کمی پایین‌تر از کف زمین قرار دارد (فندگر، ۱۳۸۴). در برداشتی دیگر گفته شده مهریان، غارها را عموماً به شکلی می‌کاویدند که سقف مهرابه به شکل گنبد باشد. گنبد را در فارسی آبه یا آوه نیز می‌گویند. این واژه در سردابه و گرمابه و گورابه (گنبدی که بر بالای گورها می‌ساختند) هم آمده است. مهراب که در دوره اسلامی به صورت «محراب» درآمد، گنبد مهر بوده و پیشگاه پیروان مهر در پرستشگاه آنان است. سقف مهرابه‌ها عموماً مقعر بود که آن را نشانه‌ای از طاق گردون و گنبد نیلگون آسمان می‌دانستند و سقف آن را با ستارگان زیور می‌دادند و گاهی نقش برجسته‌ای از مهر، که گاوی را به بند کشیده است، نیز دیده می‌شود (مقدم، ۱۳۴۳: ۵۷). در مهرابه‌ها گاهی چند اتاق و دالان موازی با مهراب وجود دارد که یا مکانی برای برپایی نماز و آیین‌های مذهبی^{۱۱} یا مکان‌هایی برای پرستش الهه‌های دیگر و یا محلی برای آموزش نوجوه‌های تازه‌وارد به آیین بوده^{۱۲} که در این صورت سکوهایی برای نشستن داشته است. در ساخت کلیساها از پلان و نمای مهرابه‌ها تقلید شده است (همان: ۵۹). نقطه کانونی مهرابه، یک مهراب یا قربانگاه است نه سکوی خطابه و... (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵: ۵۱۵)^{۱۳}. افزون بر این وجود یک حوضچه غسل هم در بعضی از مهرابه‌ها دیده می‌شود؛ این غسل لزوماً به معنای آیین تعمید نبوده محرم راز با انجام این آیین خود را به حالت و وضعیت جدیدی ارتقا می‌داده که معادل خلوص و پاکی ایزد او بوده است. مراسم اطعام با آب و شراب و نان، نوشیدن شربت هوم و خوردن گوشت

معابد مهری در نظر گرفته شده است، تنها معابد غاری هم از نوع کوهستانی و هم از نوع زیرزمینی آن— است و سایر الگوها را بررسی نکرده است.

ستایشگاه‌های غاری

در افسانه رایج در آیین میترا که از تفحص در نقوش برجسته مکشوف و مجسمه‌ها می‌توان به خطوط اصلی آن پی برد «میترا سنگزاد»^{۱۴}، کسی است که در غار از دل سنگ به دنیا آمده است. در واقع این صورتی دیگر از اسطوره مهر اوستایی است که همچون نور سپیده‌دم از پس کوه‌ها بر می‌آید. مهر آفریننده‌ای است که آب را از میان صخره‌ها و تخته‌سنگ‌ها می‌جوشاند و گاو نر را می‌کشد تا از آن رهگذر زندگی شکوفا شود، صیادی که تمام عوامل ایجادکننده فساد را نابود می‌کند و سرانجام یار و یاور خورشید شمرده می‌شود (آسموسن، ۱۳۷۲: ۴۸). از آنجا که می‌گفتند مهر از کوه زاده شده و در کوه می‌میرد، لذا هر غاری را که در دامنه آن آب روانی جاری بود، زیارتگاه مهر و ناهید (ناهیتا) خوانده و در اوقات معینی برای ستایش آنان به معابد روی می‌آوردند و حاجت خود را از آنان می‌طلبیدند (جوادی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد که براساس جهان‌بینی مهرپرستان، باید ساختار فضایی مهرابه بیشتر یادآور غار باشد که بازتاب فضا و جهان نخستین بود (Vaage, 2006: 179). شاید به همین دلیل بود که فضای مهرابه‌ها غالباً درون غار یا فضایی کوچک و کم‌نور بود (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۷). افزون بر نقش‌های آیینی، شماری نقش نمادین درباره نجوم و گاه شماری در بعضی از مهرابه‌ها یافت شده است (Ulansey, 1991). توجه خاص به ستارگان و نجوم از مراحل ابتدایی خصوصاً برای تازه‌واردان بود، در واقع میترائیوم‌ها مکانی برای تجربه مستقیم از محیط و فضا بودند که در آن شخص در محیط، درک مستقلاً از کیهان را به دست می‌آورد که نتیجه بودن در محل ستایشگاه بود (Tilley, 2004: 1). در واقع تولد افسانه‌ای میترا از دل سنگ و آمیختن آن با افسانه کوه مقدس که بلندای کوه را مکانی آرمانی برای گرامیداشت خدایان می‌دانستند سبب شده بود که کوه‌ها برای برپایی ستایشگاه‌ها انتخاب شوند. علاوه بر این به دلیل سری بودن تعالیم و اهمیت انجام مراسم در تاریکی و دور از نور خورشید و اعتقاد به تقابل‌ها مثل کشمکش خوبی و بدی، راستی و دروغ و نور و تاریکی که در نهایت منتهی به پیروزی جاودانه نور می‌شود— در این آیین مکان‌های غارمانند که نور را از روزه‌هایی محدود هدایت می‌کردند و با چراغدان‌ها روشن می‌شدند، در دل کوه‌ها کنده می‌شدند که عموماً رو به سوی طلوع خورشید

و به عنوان شاکله مذهبی و قانونی ایفای نقش می‌کردند.

• دسترسی فضایی

ایرانیان باستان همواره در بلندی‌ها به عبادت و رازونیا با خالق می‌پرداختند و این عبادت سنتی، دعا و سرودخوانی به درگاه اهورامزدا و دیگر ایزدان بوده است (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۳۴۴). احداث غارها در ارتفاعات، تپه‌ها و صخره‌های طبیعی در واقع نتیجه یکی از قدیمی‌ترین باورهای است که در اعتقادات میان ادیان مختلف وجود دارد و آن باور به وجود کوه‌های مقدس است که تأثیر مهمی در معماری معابد بر جای گذارده است (قدوسی‌فر، ۱۳۹۱: ۴۱). ریشه چنین نگرشی در بین‌النهرین، به اساطیر سومری بازمی‌گردد. ایده کوه مقدس از زمان‌های اولیه در باورهای سومری وجود داشته است (Rice, 2004: 58). در خیلی از باورهای ادیان، منزلگاه خداوند در دل کوه‌ها یا بر فراز آنهاست. مثلاً «جان ناس»^{۱۵} می‌گوید در اساطیر یونان که از زبان «هومر» نقل شده، الهه‌های متعدد در قلعه کوه المپ در یک منزلگاه علوی که بسی والاتر از هر کوهی است، زندگی می‌کنند. در آیین مهرپرستی، تولد میترا از دل کوه و حادثه کشته‌شدن گاو نخستین توسط او درون غار اتفاق افتاد و مراسم مذهبی در غارها و غارنماها در مهرابه اجرا شد (کومون، ۱۳۸۳: ۴۷). این حرکت به سمت بالا و توجه به آسمان در شاکله‌های فکری مهرپرستان اهمیت دارد^{۱۶}. ستایشگاه‌های غاری که در کوه‌ها کنده شده‌اند این دسترسی فضایی را رو به سمت قلعه کوه موجب می‌شوند و ستایشگاه‌های زیرزمینی یک حرکت رو به پایین را سبب می‌شوند.

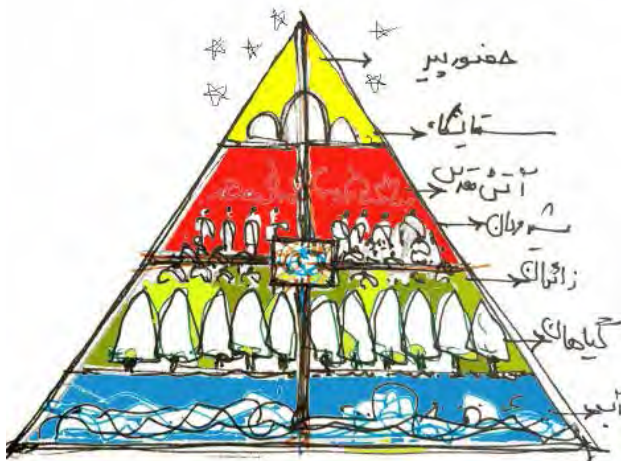
• جهت‌گیری

یکی از مهم‌ترین تأثیراتی که خورشید و نور در معابد داشته‌اند را در نوع جهت‌گیری و سازمان فضایی جهت معابد در ارتباط با وضعیت خورشید می‌توان ملاحظه کرد. چنانکه محور طولی بسیاری از معابد در ادیان مختلف رو به شرق و محل طلوع خورشید دارد (قدوسی‌فر، ۱۳۹۱: ۴۴). در دین مهرپرستی نیز مهرابه‌ها دارای جهت شرقی-غربی بودند. در طول سده پنجم، ریشه خورشیدپرستی آنچنان ژرف بود که در اروپا نه تنها پیروان میترا، بلکه پیروان مسیح و کلیسا هنوز به سنت دیرینه عادت داشتند. آنها در برابر خورشید تابان، که در افق پس از طلوع، کم‌کم بالا می‌رفت، می‌ایستادند و به نشانه نیایش سر فرود می‌آوردند (کومون، ۱۳۸۳: ۲۰۰). در معماری مسیحیت در واقع جهت‌گیری کلیساها دارای جهت شرقی-غربی است. جهت شرق نماد خدا و حرکت به سوی او و جهت غرب، نماد انسان است (پورجعفر و شهیدی، ۱۳۸۸: ۲۵). ورمازرن در رساله میتراس^{۱۷} هدف از ساخت مهرکده‌ها را

خام گاو^{۱۴} - که بعدها در آیین زرتشت با آن مخالفت شد- از دیگر مراسم عبادی آن دوره محسوب می‌شد. در غارهای زیرزمینی ساختمان مهرابه‌ها از یک ورودی و دهلیز درونی که به سه راهرو منتهی می‌شد، تشکیل شده است. تالار اصلی معبد، بزرگ‌تر از تالارهای دیگر بوده و ورودی آن از طریق راهروی وسط امکان‌پذیر بوده است. دو راهروی که در سمت چپ و راست قرار داشتند، تنگ‌تر بوده و سقف کوتاه‌تری هم داشتند. سالکان در مراحل تشریف باید از دالان‌های تاریک و تنگ که توهّم‌آور بود عبور می‌کردند تا خود را به داخل مهرابه و جایگاه مقدس برسانند (کومون، ۱۳۸۳: ۱۶۶). مهراب، بالای تالار اصلی قرار می‌گرفت و عبارت بود از گودی اندکی در دیوار که نقش مهر (و گاهی مجسمه او) در حال کشتن گاو در آن دیده می‌شد. دو مهربان نیز در دو سوی او دیده می‌شدند. در دو طرف تالار اصلی نیمکت‌هایی سنگی قرار می‌دادند. روشنی مهرابه از روزنه‌های کوچک سقف و یا پنجره‌های باریک تأمین می‌شد، به طوری که فضای مهرابه تقریباً تاریک بود برای آنکه حالت اصلی غار حفظ شود. از تعریف مهرابه چنین بر می‌آید که تاریکی و سکوت و سکون فضا از مشخصه‌های اصلی آن است که نور آتشدان‌ها و یا حرکت نور خورشید از روزن سقف‌ها پویایی، سیالیت و «زنده-گی» را به فضای ستایشگاه وارد می‌کرده است. این فضا متعلق به حلقه یاران است و مراسم تشریف مذهبی ... در آن رخ می‌دهد. فضاها متناسب با تعداد یاران و انجام آیین‌ها بوده که البته معنای خود را در تعامل با فضای پیرامون معبد کسب می‌کرده است.

• مکان‌یابی مهرکده

مهر در اساطیر و یزدان‌شناسی ایرانی میانجی است. میانجی میان آسمان و زمین و به نوعی میانجی میان خدایان و مردم (رضی، ۱۳۸۱: ۱۵۶). در واقع میترا به عنوان متفکر، به صورت یک قاضی و داور در جهان حکم می‌کند، حتی از وی به عنوان داور ارواح درگذشته بر فراز پل چینوت نیز یاد می‌کنند (اردشیرید، ۱۳۴۲: ۷۴). ایرانیان هنگام تصمیم‌گیری درباره مسائل قانونی، در آتشکده به مهر سوگند می‌خوردند و از این رو گاه به آتشکده «دار مهر» یا «درمهر» (دادگاه در آتشکده) می‌گفتند که در آنجا عدالت اجرا می‌شد (جوادی، ۱۳۹۳: ۳۵). مشخصه کلی همه معابد دوره اشکانی (که عموماً معابد مهری بودند) بدون در نظر گرفتن تاریخ ساخت و فرم معماری، قرارگرفتن آنها در کنار مراکز حکومتی است (شکاری نیری، ۱۳۸۵). پس مهرکده‌ها ابتدا در حوزه کلان، علاوه بر بحث نیایشی مکان دادگری و دادگستری هم بوده‌اند و از این رو باید در مجاور مراکز حکومت‌داری



تصویر ۱. سلسله مراتب فضایی ستایشگاه صخره‌ای. مأخذ: نگارندگان.

روان است (همان: ۶۴). حوض آب در نیایشگاه‌های مهر و آناهیتا ضروری و از ارکان اصلی محسوب می‌شده، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت منبع آب در این اماکن از گذشته تا کنون به شکل چشمه، چاه، حوضچه آب و سنگاب در مکان‌های مقدس وجود داشته است (جوادی، ۱۳۹۳). مهربابه باید در مکانی ساخته می‌شد که دسترسی به آب جاری وجود داشت (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۳۸). آب علاوه بر جنبه اساطیری در زایش مهر، در ستایشگاه دو کارکرد عمده دارد؛ یکی تقدس آناهیتا الهه آب و همبستگی ذاتی مهر و ناهید و دوم پاکی آب و شست‌وشوی بدن^{۱۹} پیش از مراسم عبادی است که چنانچه به شکل طبیعی یا چشمه در محیط وجود داشت از آن در صحن مهرکده نیز استفاده می‌کردند و چنانچه وجود نداشت به شکل حوضچه‌هایی در داخل معبد ساخته می‌شد^{۲۰}.

آتش و آدریان‌ها

ایرانیان باستان برای الهه آب‌ها احترام قائل بودند و اعتقاد داشتند برترین حقایق از چشمه‌ای که در رفیع‌ترین آسمان‌ها جای دارد می‌جوشد. آنها همه‌جا از آب به عنوان نطفه حقیقت یاد می‌کنند و مهر را زاده آب‌ها می‌دانند. با این وجود معتقدند قرارگاه میترا نه در آب‌ها، که در آتش است (اردشیرید، ۱۳۴۲: ۶۲) و از آنجا که میترا را نگه‌دار پیمان و راست‌کردارترین افراد می‌دانستند که خود میانجی خورشید و ماه است و کار حسابرسی آدمیان و قضاوت خوبی و بدی را انجام می‌دهد، بعدها در افسانه‌ها به جای میترا از آتش استفاده کردند. جلوی مهراب دو آدریان (آتشگاه)^{۲۱} برای روشن‌نگاه داشتن آتش برپا بود (مقدم، ۱۳۴۳: ۵۷). پیش از رسیدن به آدریان پرستنده بایستی با شست‌وشو

مشاهده اجرام آسمانی می‌داند و بر همین اساس سوگیری ساختمان میترایوم‌ها را به سوی آسمان و جهت‌گیری آنان را عموماً به سمت شرق و طلوع آفتاب می‌داند. بنابراین اگرچه سعی می‌شد مهرکده‌ها رو به شرق ساخته شوند ولی گاهی با وجود امکان ساخت این معابد رو به شرق، برخی سوگیری دیگری دارند. ستاره‌شناسی از مباحث مورد علاقه مهرپرستان است و داخل مهربابه، شبیه آسمان طراحی می‌شد^{۱۸}.

• حوزه‌بندی فضایی

با توجه به وجود آب، گیاه و اختلاف تراز مهرکده نسبت به محیط یک حوزه‌بندی را می‌توان تشخیص داد؛ وجود برکه، چشمه یا رود جاری است که در اولین سطح دیده می‌شود، بعد گیاهان و درختان هستند که وجود آب حضور آنها را تأمین می‌کند، در قسمت بعدی و در تراز ارتفاعی بالاتر به کارگیری صفا برای نیایش‌کنندگان با حفظ حریم نزدیکی به ستایشگاه است که احتمالاً برای همه زائرین تعبیه می‌شده است و خود نیایشگاه با حفظ حریم در ارتفاعی بالاتر و احتمالاً با برافروختن آتش حس دعوت‌کنندگی را در فرد برای پیوستن به جرگه یاران ایجاد می‌کرده است. از آنجا که در آیین میترا مردان و زنان می‌توانند خود را وقف راه میترا کنند ولی همه افراد و از جمله زنان در مراسم دینی مجاز به شرکت در مناسک سرتی نیستند، این دسته‌بندی، سلسله‌مراتبی در فضا ایجاد کرده است که در اکثر میترایوم‌ها دیده می‌شود. سلسله‌مراتبی که در غارهای صخره‌ای با یک دید به سمت آسمان، یک طلب و میل حرکت رو به بالا در شخص ایجاد می‌کند و در غارهای زیرزمینی با حفظ همان سلسله‌مراتب یک حرکت به سمت پایین و ایجاد حس تمرکز را سبب می‌شود (تصویر ۱).

چشمه آب و مهراس

در بیشتر صحنه‌های زایش مهر آب نیز نمود پیدا کرده است. چشمه آب یا برکه‌ای که با زایش مهر بستگی دارد چشمه زندگی، خشک‌نشدنی و همیشه روان است (Vermaseren, 1963: 88). سوشیانت، رهایی‌بخش و نویددهنده در آیین مهر و سپس آیین زرتشت از آبتنی دوشیزه‌ای در آب متولد می‌شود؛ آبی که تخمه یا فرّ زرتشت در آن نگهداری می‌شود. غارهای طبیعی که چشمه آبی زیر یا در کنار آنها روان است، هنوز جنبه مقدس یا زیارتگاهی دارند و چه بسا نشانه‌های بیشتری از آیین مهر را بتوان در آنها جستجو کرد. یک نمونه باشکوه از غارهایی که با تزئیناتی مهری (البته دستکاری شده در زمان ساسانیان) آذین شده، طاق بستان کرمانشاه است (مقدم، ۱۳۴۳: ۷۱). بیرون مهربابه و درون آن همیشه چشمه آب

جدول ۱. تحلیل منظر مهرکده. مأخذ: نگارندگان.

الگوهای ساخت	تحلیل از نظر رسوم آیینی	تحلیل منظر
مکان یابی	کارکرد دوگانه میتراپیومها که هم ستایشگاه و قربانگاه هستند و هم محلی برای دادورزی و اقامه دعوی و قضاوت؛ این معابد تا حد امکان در کنار مراکز حکومتی بوده‌اند.	دید مناسب از معبد به شهر و برعکس ایجاد حس امنیت را چه به لحاظ اعتقادی و چه به لحاظ اجتماعی ایجاد می‌کرده است.
طراز ارتفاعی	آنجا که طبیعت منطقه پتانسیل داشت پرستشگاهها در ارتفاع بالا و بر دل کوهها کنده می‌شدند تا خاطره زاییده‌شدن مهر را بازنمایی کنند. در غیر این صورت برای ایجاد حالت غارمانند میتراپیومها، آنها را در دل زمین ایجاد می‌کردند.	نگاه رو به بالا به معبد ایجاد حس آسمانی و غیرزمینی را ایجاد می‌کرد، نحوه زاییده‌شدن میترا هم شبیه به هیچ انسانی نیست و این خود نشان از آسمانی‌بودن آن دارد. قرارگرفتن معبد در بلندای کوه حس آسمانی بودن معبد را تداعی می‌کند.
دسترسی	سلسله‌مراتب رو به بالا در معابد صخره‌ای: که در این مورد زائر رو به سمت بالای کوه و آسمان به پیش می‌رود با طی طریق، استعاره از هفت طبقه آسمان، تا به جایگاه و منزل مهر برسد. در معبد غارهای زیرزمینی: این سلسله‌مراتب رو به سمت پایین دارد و حس طی طریق و آماده شدن برای حضور در معبد را برای زائر ایجاد می‌کند.	بودن در فضای معبد نیازمند آمادگی و طی طریق است و به ناگاه و بدون پیش‌درآمد نمی‌توان وارد معبد شد.
ورودی	گونه ورودی‌ها تفاوت‌های ماهوی دارند. ورودی‌هایی با ارتفاع‌های سردر کم، ورودی‌های فراخ از ورودی با سردر طاقی شکل تا ساده مستطیلی— درگاه‌های با تزیینات زیاد و بدون تزیینات و ساده.	میتراپیومها از فضای مسطح آزاد مقابل خود که محل انجام مراسم در فضای باز بود با درگاه و سر در جدا شده.
آب	احترام به آب و الهه آب‌ها، آناهیتا از باورهای عمیق مهرپرستان است علاوه بر آن بسیاری از مراسم آیینی از تربیت سربازان در مراحل نخست گرفته تا غسل تعمید زائران همگی با آب هم‌پیوند است.	یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های منظر مهرکده‌هاست که به شکل چشمه یا جوی جاری یا سنگاب یا دو به دو در همه مهرکده‌ها دیده می‌شود.
آدریان	احترام به آتش و نور آن، که محل قرار میترا و نمادی از حضور او بود نزد مهرآیینان و پیش و پس از آنها همیشه وجود داشت.	وجود آدریان‌ها که بر فراز آنها آتش مقدس روشن بود از دور وجود مهرکده را اعلام می‌کرد.
گیاهان	علاوه بر گیاهانی مثل هوم که افشرد آنها در مراسم مقدس استعمال می‌شد، درختانی مثل انجیر که میترا در کودکی با برگ آن خود را پوشانده بود یا درخت سرو که نمادی از مهر بود و یا گل نیلوفر که تخمه مقدس را نگه می‌دارد و... مورد توجه مهر آیینان بود. توسل به گیاهان هنوز هم بین ایرانیان محبوب است.	همانطور که آب در منظر مهرکده موجود است گیاه هم دیده می‌شود، مگر اینکه سال‌ها آن مهرکده مورد اقبال نبوده باشد.
رنگ‌ها	رنگ قرمز به نشانه رنگ خون، رنگ آتش یا رنگ خورشید از رنگ‌های مورد اقبال این آیین است. مثلاً پیر و پیک خورشید با ردایی قرمز و کمربندی طلائی به کمر در مراسم ظاهر می‌شود. رنگ آبی نیلگون آسمان هم از رنگ‌های مورد استفاده در غارهای زیرزمینی است که به نشانه آسمان بر سقف معبد زده می‌شود.	وجود لباس‌هایی با رنگ مختلف و خصوصاً قرمز تحرک و هیجان خاصی به محیط می‌دهد.
نقش‌ها	نقوش میترا در حال شکار و قربانی کردن گاو-ماه و ستارگان-خورشید-چلیپا، شیر و گل نیلوفر و درخت مقدس و ...	در مناظر ابتدایی کمتر نقوش برجسته دیده می‌شود یا احتمال دارد در دوره‌های بعد این نقوش به عمد پاک شده باشند، اما در نمونه‌های خارج از مرزهای ایران این نقش دیده می‌شود.
مهرابه	محل اصلی انجام مراسم و حتی آموزش سربازان بود. درواقع هم آموزش‌های جسمی و هم آموزش‌های روحی در این مکان داده می‌شد. محلی بود که پیک خورشید و پیر مغان و افراد درجه‌بالا در آن آموزش‌های سزای مهرپرستی را به نوکیشان می‌دادند. آموزش‌هایی که فراگیری آنها برای همه مقدور نبود و باید به درستی حفظ می‌شد. آموزش‌ها عموماً با سحر و جادو همراه بود ولی اصول آن یا چگونگی انجام مراسم به دلیل محافظت سرسختانه از آن هنوز در هاله ابهام است.	پلان مهرابه‌ها مستطیلی ساده شبیه به باسیلیکاهای رومی است که گاهی به شکل نمازخانه و سنگاب و گاهی به شکل سکوهایی برای نشستن است، با طاقنماهایی برای روشن کردن آتش یا قراردادن اشیای مقدس و تزییناتی مربوط به مراسم قربانی توسط مهر در دیوارها. همچنین، سقف مهرابه‌ها در هر دو گونه صخره‌ای و زیرزمینی تا حد ممکن شبیه آسمان و قوسی ساخته می‌شد.

تحلیل منظر مهرکده

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر فضای مهرابه، ستایشگاه‌های مهری نیازمند یک فضای پیرامونی نیز هستند، محیطی که ظرفیت انجام مراسم آیینی را در خود داشته باشد. محیط و منظری که الگوی ساخت آن در جدول ۱ آمده است.

خود را از هرگونه آلودگی پاک و پاکیزه بسازد^{۲۲}. این آدریان‌ها که بر فراز آنها آتش مقدس روشن می‌شد و از دوردست‌ها قابل مشاهده بود، خصوصاً در شب هنگام، نقطه طلایی فضا سازی میتراپیوم‌هاست چراکه به عنوان سمبل فضای ستایش، در طول شب همواره می‌درخشید و راهوران را به نیایش دعوت می‌کرد.

منظر شبانه

مهری دینان همواره به الهه‌های پیش از مهر احترام می‌گذاشتند؛ توجه به الهه آب و اهتمام در ساخت ستایشگاه‌هایی که با رودهای جاری و چشمه‌های جوشان^{۲۳} و یا حوض آب^{۲۴} مقاربت داشته باشد، توجه به درختان و توجه به آسمان و ماه و خورشید^{۲۵} و ستارگان سعد و نحس و مسیر حرکت آنها و پیشگویی و... از آموزش‌های مهریان بود که پس از طی طریقت به رهجویان گفته می‌شد. به این خاطر آنها به آسمان و ستارگان روشنی‌بخش آن، به طبیعت و به آب توجه زیادی نشان می‌دادند. توجه به محیط و منظر مهرکده‌ها از آنجا مشخص می‌شود که عموماً فضای داخل مهرابه بسیار محدود و مختص افراد خاصی می‌شده درحالی‌که مراسم مهریان با شکوه و با حضور افراد زیادی همراه بوده است. روزها احتمالاً محیط مهرکده‌ها مکان‌های دآوری^{۲۶} و قضاوت و یا محل رزم‌آموزی و آموزش فنون جنگاوری^{۲۷} بوده و داخل مهرابه محل آموزش رموز غریبه و قربانی کردن گاو مقدس و انجام مراسم دعا و... بوده است. به هر حال مسلم این است که محیط داخل مهرابه‌ها کاملاً تاریک طراحی می‌شده است، وجود نورگیرهای کوچک^{۲۸}، و قراردادن آتشدان‌ها^{۲۹} و نقوش ستارگان بر گنبد سقف، مؤید این مطلب است. از آنجا که آیین قربانی یکی از پراهمیت‌ترین مراسم مهریان است و انجام آن و سور پس از آن می‌بایست بعد از غروب خورشید و یا در یک مکان تاریک^{۳۰} صورت گیرد، معابد مهری برای انجام مراسم در شب طراحی می‌شده‌اند. اگرچه می‌توان گفت میتزایسیم اولین آئین در تمدن ایران است که دارای مراسم بوده ولی در واقع میتزایی اولیه، یک دین به مفهوم دین‌های ابراهیمی با مراسم خاص دینی‌ای که امروزه می‌شناسیم نبوده، بلکه روش و سلوک ساده و منطقی برای زندگی و طریقی عارفانه برای بهترزیستن و «مهر-بان» بودن بوده است. مردم بر عقیده ساده‌ای بودند که برگرفته از ستاره‌شناسی و اعتقاد به نیروهای طبیعت و سحر و جادو بود؛ اینکه ایزد میترا همه آنها را کنترل می‌کرده و مجری عدل و عدالت بوده است. در باور ایرانیان باستان از دل سیاهی شبی درازآهنگ و سرد در یک غار گود و کم‌ارتفاع در میان کوه‌های البرز، مهر اسطوره‌ای از دل سنگی به دنیا آمد (جوادی و نیکویی، ۱۳۹۴)

و بنابراین راز و نیایش شبانه در دامنه کوه‌های مقدس و امید به درخشیدن نور و زاییده شدن مجدد مهر که نماد روشنایی است همواره در اعتقادات ایرانیان وجود دارد. علاوه بر این، با توجه به علاقه مهریان به آسمان و ستارگان به نظر می‌رسد مهم‌ترین کارکرد مهرکده‌ها در شبانگاه و پیش از طلوع خورشید بوده و به همین جهت سعی می‌شده

مهرکده‌ها رو به سوی خورشید داشته باشند^{۳۱} تا زائران یا پیروان خاص بتوانند پس از مراسم عبادی خود با خلوص و در آرامش برآمدن آفتاب را نظاره کنند. برافروختن آتش و مراسم رقص^{۳۲} هم احتمالاً در شب محقق می‌شده؛ چراکه مهرآیینان می‌بایست در سکوت شبانگاه و خلسه حاصل از افشرد هوم به رازونیز با خدای خود می‌پرداختند و از طرفی هنوز هم در بسیاری از کیش‌های متأثر از عرفان ایرانی، سما و مراسم آیینی از شبانگاه تا طلوع خورشید انجام می‌شود و سکوت و سکون شب، خارج شدن از شهر و قرارگرفتن در دامنه کوه‌های مقدس و... از ملزومات آنان است^{۳۳}. در ستایشگاه‌های زیرزمینی هم محیط معبد تاریک و شبیه شب درست می‌شد و سقف معبد گنبد آسمان را تداعی می‌کرد که با ستارگان و تزیینات شبانه آرایش می‌شد و در داخل معبد آتشدان‌هایی قرار داشت که زائرین به نیابت از نور مهر^{۳۴} رو به سوی او عبادت می‌کردند. مهرآیینان در مراسم دینی صورتک به چهره می‌زدند و آرزوی بهره‌مندی از جاودانگی و شکوهمندی را خواستار بودند (قدیانی، ۱۳۷۶: ۹۴). زدن صورتک در واقع به این خاطر بوده که درجه تشریف مهریان در زیر نقاب و با نور شمع قابل تشخیص نبوده و افراد نمی‌توانستند یکدیگر را شناسایی کنند و در ضمن افراد عادی هم می‌توانستند در این مراسم شرکت کنند. جشن‌های بالماسکه صورت تغییر یافته رسم مهریان است. حضور آدریان‌های برافروخته در شب و بوی گیاه شاهدانه و و افشرد هوم و رقص سماع در کنار سکوت شب محیط معنوی خوبی برای ستایش و رازونیز بوده است.

• تحلیل منظر شبانه

علاوه بر اینکه پرداختن به منظرسازی و استفاده از عناصر طبیعی در محیط ستایشگاه اهمیت دارد، با توجه به انجام بیشتر مراسم‌ها در فضای باز معبد و پس از غروب خورشید، می‌بایست محیط و منظر قابلیت بهره‌برداری در شب‌هنگام را نیز دارا باشد. همانطور که در جدول ۲ آمده است، ستایشگاه‌های مهری چندحسی بوده و بیشتر برای استفاده در شبانگاهان بوده‌اند.

بحث

ایرانیان با ذهن خلاق، پیدایش خود و جهان را آن گونه که در تصورشان بود در چهارچوبی بسیار ساده و ابتدایی تفسیر و در غالب داستان‌ها، روایت‌ها و اسطوره‌ها در طول زمان، بیان کرده‌اند. اسطوره‌ها فرهنگ و اصالت هر قومی را تشکیل می‌دهند و منعکس‌کننده روح حاکم بر دوران خود بوده‌اند. ایزد میترا پیش از زرتشت یکی از بزرگترین خدایان هند و ایرانی بود که روایت‌های آن با

تطابق مقیاس فضاهای ملزوم آن با معماری مهرابه‌ها مواجه می‌شویم که نیاز به وجود فضایی مکمل را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. براساس پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد این فضا محیط پیرامونی نیایشگاه بوده که برای استفاده در زمان‌های خاصی در طول شبانه‌روز طراحی و به آن پرداخته شده است. به دلیل محدودۀ کوچک پژوهش و انتخاب الگوی معماری خاص (یعنی معابد

اسطوره‌ها در هم آمیخته است. پرداختن به مظاهر این آیین و غور در مفاهیم اعتقادی آن و روشن‌تر کردن ابعاد و الزامات فضاهای ساخته‌شده توسط آنان، بهادادن به ارزش‌های چندهزارساله این تمدن است و هیچ جایی از هنر ایران نیست که به طور کلی خالی از نشانه‌های مهری باشد. در پی پرداختن به گونه‌ی خاص معماری مهریان که معابد غاری بود و تفکر در باب باورهای آیینی، با عدم

جدول ۲. تحلیل منظر شبانه، مأخذ: نگارندگان.

منظر چندحسی	تحلیل منظر مهرکده‌ها از لحاظ ارتباط با حواس انسانی در شبانه‌گاه
جهت‌گیری کلی	در ابتدا حرکت در طول مسیر در جهت ستایشگاه و پیوستن به سایر زائرین بوده که حرکتی نمادین با سلسله‌مراتب کوه‌پیمایی و به سمت بالا در معابد صخره‌ای و پلکانی و به سمت پایین در غارهای زیرزمینی بوده است. پس از انجام مراسم بزم و سماع و در هنگام طلوع خورشید به سمت خورشید مراسم عبادی تکمیل می‌شده است.
بینایی	دیدن آدریان‌های منور و آتش‌هایی با حلقه‌ی جماعت پرستنده به دور آن دیدن مراسم عبادی و رقص و سماع. مهریان در مراسم، نقاب‌هایی به صورت می‌زدند که نشان از درجه‌ی تشریفشان بود. دیدن مراسم قربانی که در قربانگاه داخل محراب و با حضور مغان انجام می‌شد.
شنوایی	دیدن ستاره‌ها و حرکت آنها که به گفته‌ی بسیاری از تاریخ‌نگاران در آیین میتراییسم از اهمیت والایی برخوردار بوده تا آنجا که سقف میتراییوم‌های زیرزمینی به نقوش ستارگان مزین می‌شده است. دیدن طلوع خورشید که شاخص‌ترین بخش مراسم بوده است.
بوایی	صدای آب، شنیدن صدای چشمه‌ها و جویبارهایی که عموماً مهرکده‌ها نزدیک آنها ساخته می‌شد و نشان از حضور الهه‌ی آناهیتا در طول مراسم است. صدای باد در درختانی که حتماً در جوار مهرکده‌ها موجود بوده و عموماً سعی می‌شده درختانی خاص انتخاب یا حضور داشته باشند (میترا با کمک باد یکی از دخالت‌های اهریمن را خنثی کرد). صدای سرودهای مذهبی که به شکل دسته‌جمعی و با صدای بلند خوانده می‌شد.
چشایی	بوی خشخاش که برای ایجاد حالت خلسه بر روی آتش و سنگ‌های گداخته پاشیده می‌شد و بوی عود و... که در فضا به مشام می‌رسیده است. نوشیدن افشره‌ی مقدس هوم که باز هم برای ایجاد حالت خلسه در مراسم استفاده می‌شده و هرکس متناسب با درجه‌ی تشریف می‌توانست از این نوشیدنی استفاده کند و فقط پیر مغان بود که هفت خط از پیاله را می‌نوشید و در اصطلاح هفت خط بود.
لامسه	نوشیدن شراب مقدس که شاید خون قربانی یا ترکیبی از خون قربانی و افشره هوم بوده است. خوردن گوشت قربانی خوردن نان مقدس غسل تعمید و ایجاد ارتباط حسی پاکی و پاکیزگی برای شرکت در مراسم تحریک حس لامسه در مجاورت آتش برای مرشدان طریقت حس لامسه بسیار ارزنده بود و از طریق ریاضت‌هایی که در دوره‌های مختلف متحمل می‌شدند، می‌توانستند از بند نفسانیات خارج شوند - داغ مهر که در مرحله‌ی تشریف به آیین دریافت می‌کردند و خالکوبی.

عموماً محدود و محلی برای غسل و قربانی و سکویی برای نشستن عارفان طریقت و محلی برای حضور هفت خط به همراه تزیینات و... بودند. نوشیدن افشرهٔ هوم و استنشام حشیش و تماشای آتش بر فراز آدریان‌ها و رقص سماع و خواندن سرودهای مذهبی و سور دسته جمعی و... محیطی عرفانی را در بیرون معبد طلب می‌کرد که حضور همهٔ پارسایان (حتی افراد خارج از حلقه) را محقق سازد؛ فضایی که علاوه بر ارزش‌های معنایی، از لحاظ کارکردی هم متناسب با ستایشگاه‌های مهری بود. از آنجا که تمام زائران امکان حضور در مراسم آیینی ویژه را نداشتند یک تراز ارتفاعی برای دسترسی به ستایشگاه وجود داشت و فقط پیر مغان که مراسم قربانی و غسل و ... را انجام می‌داد و عیاران با توجه به درجهٔ تشریفشان می‌توانستند از محراب استفاده کنند و سایرین در بیرون معبد و در فضای باز و در گروه‌های بزرگ‌تر نظاره‌گر مراسم بودند. به دلیل لزوم انجام مراسم قربانی در نبود خورشید و اهمیت ستاره‌شناسی و لزوم حضور زائران در فضای باز و انجام مراسم مذهبی به خصوص در سحرگاه و پیش از طلوع آفتاب به نظر می‌رسد مهرپرستان اولین منظرسازان ایران و حتی جهان هستند که در ساخت ستایشگاه‌های خود منظر شبانه طراحی کرده‌اند و در این طراحی، تمام تدابیر برای ادراک فضا، متناسب با مراسم آیینی اندیشیده شده است. منطقی که چند حسی بوده و به جز برای سربازان مهر برای زائران هم انگیزه و نشاط حضور در فضا را همراه با خلسه‌ای عارفانه در زیر نور ماه ایجاد می‌کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. پرستیدن به معنای گرد چیزی گشتن است و با معبد به معنای مکانی برای عبد بودن از لحاظ واژه‌شناسی متفاوت است. در اینجا مهرکده را جایی برای ستایش کردن و نهایتاً پرستیدن مهر منظور کرده‌ایم و نه عبادت کردن و در این پژوهش هر جا از لغات مترادف مثل معبد و ... استفاده شده مراد، همین ستایش کردن است.
۲. Franz Cumont
۳. Martin Vermaseren
۴. Henrik Nyberg
۵. Roman Grishman
۶. spelaeum
۷. antrum
۸. templum
۹. aedes
۱۰. saxigenus
۱۱. مهرابهٔ اکواینوم در مجارستان
۱۲. مهرکدهٔ سان کلمنته در رم
۱۳. بحث عمومی در کتاب دین مهر در جهان باستان است که در نهایت نویسندگان دربارهٔ مقالات یکدیگر نظر داده و آن مبحث را جمع‌بندی و کامل کرده‌اند.
۱۴. تماس با خون قربانی و خوردن گوشت آن باعث دستیابی به قدرت سحرآور و همزادپنداری با او بود (برگرفته از کتاب توتوم و تابو اثر زیگموند فروید) که نمادی از نیروی ایزدی بود که سربازان خود را به او متوسل می‌کردند.
۱۵. John Noss
۱۶. برای مطالعهٔ بیشتر به مقالهٔ دیوید اولانسی مراجعه کنید: Mithras and the Hypercosmic Sun

صخره‌ای)، نتیجهٔ نهایی خالی از اشکال نخواهد بود ولی می‌تواند به عنوان مدخلی برای پژوهش‌های بعدی که از این دیدگاه به میتراپیوم‌ها نگاه می‌کنند، مورد استفاده قرار بگیرد.

نتیجه‌گیری

معماری منظر و منظر به طور کلی اولین برداشت از محیط و به گونه‌ای اولین تقابل معماری با ناظر است که به گونه‌ای محاط بر شخص شده و همهٔ آنچه را که می‌تواند در یک برداشت از فضا دریافت کرد، شکل می‌دهد. دریافت هیچ‌گونه‌ای از الگوهای معماری بدون دریافت منظر آن کامل نخواهد بود و این یکی از مهم‌ترین نکات در فرایند ادراک محیط است که در معماری ستایشگاه‌های مهری به آن پرداخته شده است. دل‌بستگی ایرانیان به طبیعت، کوه مقدس، آب و گیاه تا آنجا بود که به جرأت می‌توان گفت منظر هیچ‌گونه‌ای از معماری ایران به طور کلی خالی از آنها نبوده است، به طبع مهرکده‌ها و ستایشگاه‌های منسوب به مهر با حضور آنها معنی‌دار می‌شوند تا آنجا که این ستایشگاه‌ها در دل تاریکی غارهای کوه‌ها یا در مکانی شبیه‌سازی شده به همان سبک، که حضور هر دو الههٔ ناهید و مهر را تأمین می‌کند، شکل می‌گیرد. رنگ‌ها و نقش‌ها متناسب با اندیشه‌های مفهومی مهریان، درجهٔ تشریف و در تناسب با انوار ایزدی مهر با آرایه‌ها و الگوهای واحدی تکرار می‌شوند. توجه به محیط و منظر مهرکده‌ها از آنجا مشخص می‌شود که ستاره‌شناسی و پیش‌بینی براساس ستارگان از اهم آموزش‌های مهری‌دینان است، علاوه بر این فضای داخل مهرابه مختص افراد خاصی می‌شده درحالی‌که مراسم مهریان با شکوه و با حضور افراد زیادی همراه بوده است. مهرپرستان قرارگاه مهر را در آتش زمینی و خورشید آسمانی می‌دانستند. تماشای طلوع خورشید در سحرگاه (قبل از برآمدن آفتاب و در تاریکی) و انجام مراسم قربانی دور از نور خورشید، فعالیت‌های آیینی در اطراف آتش و بودن در سکوت و سکون شب از الزامات فضای نیایشی آنان است. آتش با نور خود تاریکی شب‌ها را می‌درد و خورشید روشنایی‌بخش بی‌دریغ زمین است، در این بین مفاهیم شب و روز، تاریکی و نور، بدی و خوبی، جهل و دانایی و ... همواره تقابلی را ایجاد کرده‌اند که سالکان طریقت می‌بایست تمام تمرکز خود را برای طی مسیر از تاریکی به سمت نور در انجام مراسم معطوف می‌کردند و لذا برای ایجاد چنین فضایی از تمام حواس فرد در طول مسیر رسیدن به ستایشگاه که عموماً بر فراز کوه‌های مقدس و یا در سلسله‌مراتب ارتفاعی قرار داشت، استفاده می‌شده است. مهرابه‌ها

- جوادی، شهره. (۱۳۹۳). تداوم نشانه‌ها و بقایای معماری مهری قفقاز در کلیساهای ارمنستان و گرجستان. *باغ نظر*، ۱۱ (۳۱): ۳۳-۴۴.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۵). پی‌یتا در مسیحیت و گاوکشی مقدس در آیین میترا. هنر و تمدن شرق، ۴ (۱۵): ۱۵-۲۰.
- جوادی، شهره و نیکویی، علی. (۱۳۹۴). استوره خورشید در هند و ایران. هنر و تمدن شرق، ۳ (۱۰): ۱۵-۲۲.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). آیین مهر، میترایسیم. تهران: بهجت.
- دادور، ابوالقاسم و برزنده حسینی، مهتاب. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی آتشکده‌های زرتشتی و استوپاهای بودایی. *نقش‌مایه*، ۳ (۶): ۲۰-۷.
- سلطان‌زاده، حسین و رضایی آشتیانی، سیما. (۱۳۹۰). ساختار فضایی معماری مهرابه‌های اروپا. *نقش‌جهان*، ۱ (۱): ۵۳-۸۰.
- شکاری نیری، جواد. (۱۳۸۵). امامزاده معصوم و رججوی مراغه معبد مهرپرستی ایرانی و نشان‌ها در معابد اروپایی. *مطالعات ایرانی*، ۵ (۱۰): ۱۰۹-۱۲۵.
- شینور، ماتیکان. (۱۳۵۰). پیک میترا. ت: شین پرتو. تهران: مزدا.
- عالی‌پور، ایرج. (۱۳۷۴). در ستایش اگنی. *چیستا*، ۱۳ (۱۱۷): ۱۵۵-۱۶۰.
- فروید، زیگموند. (۱۳۹۰). *توتم و تابو*. ت: ایرج پوریاقر. تهران: آسیا.
- قدیانی، عباس. (۱۳۷۶). *تاریخ ادیان و مذاهب ایران باستان*. تهران: انیس.
- قدوسی‌فر، سیدهادی. (۱۳۹۱). حکمت خالده و جایگاه طبیعت در جهان‌بینی و معماری معابد ادیان مختلف. *باغ نظر*، ۹ (۲۰): ۳۷-۴۸.
- قندگر، جواد. (۱۳۸۴). *کاوش‌های باستان‌شناختی قلعه اژدهاک هسترود*. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران حوزه شمال غرب ایران. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- کاژدان، آ؛ نیکولسکی، ن؛ آبراموویچ، آ؛ ایلین، ژ و فیلیپ اف، آ. (۱۳۸۶). *تاریخ جهان باستان*. ت: محمدباقر مؤمنی، علی همدانی و محمدصادق انصاری. تهران: فردوس.
- کومون، فرانس. (۱۳۸۳). *آیین پر رمز و راز میترا*. ت: هاشم رضی. تهران: بهجت.
- محمدی‌فر، یعقوب. (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*. تهران: سمت.

- مقدم، محمد. (۱۳۴۳). مهرابه یا پرستشگاه دین مهر. *انجمن فرهنگ ایران باستان*، ۱ (۳): ۴۶-۱۱۴.
- ویدن گرن، مارتین. (۱۳۷۷). *دین‌های ایرانی*. ت: منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- Cumont, F. (1956). *The Mysteries of Mithra*. New York: Dover.
- Panagiotido, O. (2012). *From Body to Space and Time: Perceiving space and time in the Mithras Cult*. Thessaloniki: Aristotle University.
- Rice, M. (2004). *The Origins of Ancient Egypt 5000-2000 B.C*. London: Routledge.
- Ulansey, D. (1991). *The Origins Of The Mithraic Mysteries*.

- ۱۷. mithras, geschi
- ۱۸. برای مطالعه بیشتر درباره تشابه مهرابه‌ها به کیهان و آسمان می‌توانید مقاله «From Body to Space and Time: Perceiving space and time in the Mithras Cult» را مطالعه کنید.
- ۱۹. یکی از آیین‌های دین مهر شستشو و غسل برای پاک کردن لکه‌های گناه و ناپاکی است (مقدم، ۱۳۴۳: ۶۱).
- ۲۰. یک نظریه وجود دارد که مهرپرستان خون حیوان قربانی یا ادرار او را در حوض مهراب ریخته و از آن می‌نوشیدند یا به بدن خود می‌زدند. بنا به باور برخی اقوام خون، تحرک و نیروی آدمی را افزون می‌ساخت و کسی که بدن خود را به آن آغشته می‌کرد یا از آن می‌نوشید نیروی حیوان قربانی‌شده یا توتم قومی خود را به خود منتقل می‌کرد (برای مطالعه بیشتر به مقاله «نگاهی دوباره به دو اصطلاح پهلوی پادیاپ و نیرنگ» نوشته مری بويس مراجعه کنید).
- ۲۱. از دوردست‌ها آتش مقدس دیده می‌شود، این آدریان‌ها در اکثر آتشکده‌های متأخر حفظ شدند چراکه با رسوم زرتشتی زنده‌نگه‌داشتن آتش مقدس همسویی داشت. در دوران هخامنشیان، آتش در فضای باز و بر روی سکوه‌های بلند شعله‌ور می‌شده است (دادور، ۱۳۸۹: ۱۰).
- ۲۲. آیین پادیاوی در پیشخان مهرابه یا در پیشگاه آدریان باید انجام پذیرد (Comont, 1956: 157).
- ۲۳. کلیسای گفارد (جوادی، ۱۳۹۳: ۳۵)- چشمه آب که با زایش مهر بستگی دارد چشمه زندگی، خشک‌نشدنی و همیشه روان است (Vermaseren, 1963: 88).
- ۲۴. مهرابه کاپوا در سکوی جنوبی یک سنگاب و در سکوی دیگر جاه آب است (Vermaseren, 1963: 106).
- ۲۵. از این نمونه‌ها می‌توان به علائم ماه، خورشید و ستارگان در مهراب غارشکل کلیسای Dodo در ارمنستان (منطقه ارابیه گارداش) اشاره کرد (جوادی، ۱۳۹۵: ۱۸).
- ۲۶. اشاره به دار مهر (جوادی، ۱۳۹۳: ۳۵) - در مهر یا دار مهر که هنوز زرتشتیان برای آتشکده به کار می‌برند یادگار زمانی است که آتشکده‌ها مهرابه بودند (مقدم، ۱۳۴۳: ۴۸).
- ۲۷. تمایل سربازان رومی به این دین
- ۲۸. مهرکده سوزاری در اسرائیل
- ۲۹. مهرابه سان کلمنته
- ۳۰. رضی، ۱۳۸۱: ۱۳۵.
- ۳۱. معبد صخره‌ای خدایان (اوپلیستیخه) (جوادی، ۱۳۹۳: ۳۵)
- ۳۲. رقص سماع (انقطاع، ۱۳۸۷: ۹۱) - در جشن مهرگان مراسم قربانی و شراب‌نوشی و شادی مفرط و پایکوبی فراوان برقرار می‌شد (رضی، ۱۳۸۱: ۲۰۲).
- ۳۳. مراسم عبادی ایزدپرستان که در کتاب «کنار رود پیدرا نشستم و گریستم» نوشته پائولو کوییلو هم به مراسم این چنینی در یکی از فرقه‌های مسیحی اشاره شده بود.
- ۳۴. میترا نماینده نور آسمانی بوده است. وی نور خدای متعال است. قرارگاه میترا در آتش بوده است (اردشیرید، ۱۳۴۲: ۶۲-۶۳).

فهرست منابع

- آسموسن، یس پیترا. (۱۳۷۲). آیین میترا. ت: کیکائوس جهاننداری. *کلک فلسفه*، ۴ (۴۵): ۴۴-۵۰.
- انقطاع، ناصر. (۱۳۸۷). *حافظ و کیش مهر*. لس‌آنجلس: شرکت کتاب.
- اردشیرید، فرامرز. (۱۳۴۲). *میترا و میترایسیم*. *انجمن فرهنگ ایران باستان*، ۱ (۲): ۵۹-۹۴.
- پورجعفر، محمدرضا و شهیدی، محمدشریف. (۱۳۸۸). *معماری کلیسا*. تهران: سیمای دانش.
- ناقب‌فر، مرتضی. (۱۳۸۵). *دین مهر در جهان باستان*. مجموعه گزارش‌های دومین کنفرانس مهرشناسی. تهران: نشر توس.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). *اماکن مقدس در ارتباط با آب، کوه و درخت*. *باغ نظر*، ۴ (۸): ۱۲-۲۲.

London: Oxford University Press.

- Ulansey, D. (2010). *Mithras and The Hypercosmic Sun*. Rome: L'Erma di Brettschneider.
- Vaage, L. (2006). *Religious Rivalries in the Early Roman Empire and the Rise of Christianity*. Waterloo: Wilfrid Laurier University Press.
- Vermaseren, M. J. (1963). *Mithras, the Secret God*. New York: Barnes & Noble.
- Vermaseren, M. J. (1956). *Corpus Inscriptionum et*

Monumentorum Religionis Mithriacae. The Hague: Martinus Nijhoff.

- Beck, R. L. (2006). *The Religion of the Mithras Cult In The Roman Empire: Mysteries Of The Unconquered Sun*. Oxford: Oxford University Press.
- Tilley, C. (2004). *From Body to Place to Landscape: A Phenomenological Perspective*. In: Tilley, C. & Bennett, W. (eds.), *Materiality of Stone: Explorations in Landscape Phenomenology*. Oxford: Berg.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

علی پور، سارا؛ نصیر سلامی، محمدرضا و فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۸). تحلیل ساختار منظر ستایشگاه‌های مهری. باغ نظر، ۱۶ (۷۴): ۴۲-۳۱.

DOI: 10.22034/bagh.2019.99171.3235

URL: http://www.bagh-sj.com/article_91008.html

